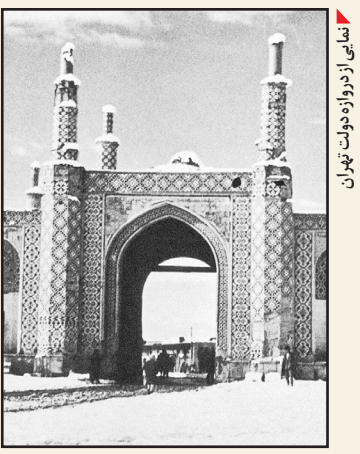


## پیش‌خوان

### پیشینه پایتخت در آیینه روایتی از نزدیک و افسون‌های طهران قدیم



دارد. داستانی است از کسی، که پدربزرگ و پدرش، ناچار از مهاجرت به پایتخت شده و بسا وقایع، آداب و عادات تهرانیان را، به نظر تیزی‌بینی نگریسته‌اند. «رؤیای طهران قدیم» به قلم حمید گروگان آمده و پژوهشکده مطالعات تاریخ معاصر ایران، آن را منتشر ساخته است. مؤلف در دیپاچه خود بر این اثر، در باب موضوع این کتاب و پیشینه ارتباط ذهنی خویش با آن، چنین آورده است: «پدرم می گفت با خانواده، برای زندگی آمدیم طهران و پس از چند ماه، پدرم کم شدن نمی‌دانم چه شد و کجا رفت! به هر حال، دایی ام، ما را در پناه خود گرفت و در خانه‌اش، حوالی امامزاده سیدناصرالدین، اتاقی به ما داد و از فرادای همان روز، مرا در دکان حلبی‌سازی خودش، حوالی توپخانه، به کار وادادند، از صبح زود تا حوالی غروب. ما به طهران آمدیم و بقیه خانواده پدری، در تبریز ماندند. حالا چه زمانی است؟ سال ۱۲۹۰ شمسی است. یعنی دو سال است که احمدشاه، در سن ۱۲، ۱۳ سالگی بر تخت نشسته و چون بچه است، کارها را داده‌اند دست یکی از درباری‌ها، به نام عضدالملک. در طهران با بدبختی و بیچارگی و فقر زندگی می‌کردیم و اگر یک روز کار نبود، گرسنه می‌ماندیم! کار کردیم و کار کردیم و هفت سال گذشت و من شده بودم ۱۴، ۱۵ ساله، که اوج قطعی بزرگ بود و چیزی برای خوردن پیدا



فضای آودانه‌ی دولت تهران

نمی‌شد! جلوی نانوایی‌ها دوایا بود و مردم، نان را از دست هم قاپ می‌زدند! شنیده بودیم یک مرد با غیرت، به نام میرزا کوچک‌خان، در جنگل‌های شمال، رودر روی انگلیس‌ها و روس‌های خاندشاس ایستاده و با یک عده فتنجگی، هنگامه‌ای راه انداخته و از جانب حکومت هم پشتیبانی نمی‌شود. از ولایات شمالی و این‌طرف و آن‌طرف، عده‌ای خودشان را به مرزهای رساندند و قسم می خوردند و با او دست می‌دادند که پای کارش ایستاده‌اند. از جمله هفت، هشت نفری از خانواده پدری ما هم، که کله‌شان بوی قرمه‌سبزی می‌داده، از تبریز راه می‌افتند و می‌روند جنگل‌های شمال و از یاران میرزا می‌کشند. تا اینکه کم‌کم سر وکله رضاخان میرنچ پدیا می‌شود و فرمانده فوج قزاق می‌شود و دو سال بعد، کودتا می‌کند و اشمش می‌شود سردار سپه و به عنوان فرمانده کل قوا، می‌خواهد به حساب میرزا کوچک‌خان هم برسد. ولی مگر میرزا به این سادگی، دم به تله می‌دهد؟ حدود یک سال، در گیسر جنگ با قوای دولتی رضاخان می‌شود و بگیر و ببندهایی بین دو قشون پیش می‌آید. از جمله اینکه، در یک درگیری قوای سردار سپه، چند نفری از یاران میرزا را دستگیر می‌کنند و مثلاً گروگان می‌گیرند و این گروگان‌ها، پنج، شش نفرشان، همان اقوام پدری من بودند. حالا چه سالی است؟ حدود ۱۳۰۰ شمسی، که عده‌ای از یاران من اتفاقاً به او خیانت می‌کنند و عده‌ای تسلیم می‌شوند و عده‌ای هم آواره کوه و جنگل می‌شوند و میرزا تنها می‌ماند! جنگ به نفع رضاخان – که حالا شده بود وزیر جنگ احمدشاه- مغلوبه می‌شود و میرزای غریب با یکی از همرزانش، در دره‌ای از سرسرا بیخ می‌زند و داغ دستگیری‌اش به دل رضاخان می‌ماند! کار جنگل که تمام می‌شود، یاران میرزا خلع سلاح می‌شوند. بعضی‌هاشان را می‌کشند و بعد از مدتی اقوام ما هم، پس از سختی‌ها و آزار بسیار، آزاد می‌شوند. از آن به بعد، به جای زاویه، به گروگان‌ها مشهور می‌شوند و در طهران می‌مانند.»



۲۳ بهمن ۱۳۳۸، زنده‌یاد حاج شیخ محمدحسین محققى (تقر وسطا) در روز و زمین زدن کلنگ مسجد هامبورگ

**قرار شد همزمان با میلاد منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود(عج)، کلنگ ساختمان مسجد، در روز شنبه نیمه شعبان ۱۳۷۹ق. بر زمین زده شود. هوا به شدت سرد بود و برف سطح زمین را پوشانده بود! مراسم آغاز شد و استاد محققى در آغاز سخنانی، انسان‌ها را «برادر» یکدیگر توصیف کرد، با این استدلال که: «خدا برای ما بالاتر از هر پدری است، پس چرا ما بهم برادر نباشیم؟»**

**آقایان محترم ابلاغ نمایم…»**

سپس اولین سنگ‌بنای مسجد، توسط استاد محققى نصب شد در حالی که تاریخ بناگذاری مسجد (۱۳ فوریه ۱۹۶۰ ساعت ۱۰:۳۰ صبح مطابق با ۱۵ شعبان ۱۳۷۹ و ۲۳ بهمن ۱۳۳۸ش.) به این فارسی و آلمانی در جعبه‌ای فلزی، زیر این سنگ قرار داده شد. بر گزارى آبرومندانه و باشکوه مراسم، موفقیتی بزرگ را نوید می‌داد و این آغازی شد بر یک راه نورانی و پر از معنویت.

**مشروح زمین در کنار آلاستر**

علاوه بر گزارش تصویری و فیلم مستندی که توسط برخی شبکه‌های تلویزیون آلمان، از لحظات پایه‌گذاری مسجد تهیه شد، روزنامه «والت‌آم‌وتساک» (دنیا در روز یکشنبه) نیز در مورخه ۱۴ فوریه - ۱۹۶۰، مقاله زیبایی با عنوان «مشروح زمین در کنار آلاستر»، درج کرد و روزنامه EchoHamburger» (پژواک هامبورگ)، در شماره روز دوشنبه ۱۵ فوریه، خبر را با عنوان «منظره آلاستر با مسجد،» به خوبی بازتاب داد.

قرار داد به صورت رسمی منعقد شد اما مشکل دیگری وجود داشت، که حل کردن آن به ظاهر چندان آسان به نظر نمی‌رسید.

**مشکل ناهمسانی بنای مسجد با دیگر ابنیه شهر**

مشکل این بود که طبق مقررات شهرداری هامبورگ، باید نحای بیرونی ساختمان‌ها، با یکدیگر یکسان باشد، در حالی که نمای بیرونی مسجد، به صورتی بدیع و به رنگ آبی طراحی شده بود و با نمای عمومی شهر، هماهنگی نداشت. با آنکه این مشکل به نظر بزرگ می‌نمود اما با تلاش‌های خالصانه و انگیزه‌های معنوی برخی مسئولان آلمانی، مانند آقای دکتر نورمان (Dr.Nevermann) (دکتر Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

**روز برفی به یادماندنی!**

قرار بر این شد که همزمان با میلاد منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود(عج)، کلنگ ساختمان مسجد، در روز شنبه نیمه شعبان ۱۳۷۹ ق. برابر با ۲۴ بهمن ۱۳۳۸ ش. و ۱۳ فوریه ۱۹۶۰ م. پیش از ظهر بر زمین زده شود. هوا به شدت سرد بود و برف سطح زمین را پوشانده بود!

تعدادی از مسلمانان و نمایندگان شهر هامبورگ، به این مراسم دعوت شده بودند. در تصویر به یادگار مانده از آن روز، برخی مسئولان آلمانی و مقامات کشورهای دیگر (سناتور مسکن و آقای کورت براش (Kurt Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

**روز برفی به یادماندنی!**

قرار بر این شد که همزمان با میلاد منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود(عج)، کلنگ ساختمان مسجد، در روز شنبه نیمه شعبان ۱۳۷۹ ق. برابر با ۲۴ بهمن ۱۳۳۸ ش. و ۱۳ فوریه ۱۹۶۰ م. پیش از ظهر بر زمین زده شود. هوا به شدت سرد بود و برف سطح زمین را پوشانده بود!

تعدادی از مسلمانان و نمایندگان شهر هامبورگ، به این مراسم دعوت شده بودند. در تصویر به یادگار مانده از آن روز، برخی مسئولان آلمانی و مقامات کشورهای دیگر (سناتور مسکن و آقای کورت براش (Kurt Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

تعدادی از مسلمانان و نمایندگان شهر هامبورگ، به این مراسم دعوت شده بودند. در تصویر به یادگار مانده از آن روز، برخی مسئولان آلمانی و مقامات کشورهای دیگر (سناتور مسکن و آقای کورت براش (Kurt Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

تعدادی از مسلمانان و نمایندگان شهر هامبورگ، به این مراسم دعوت شده بودند. در تصویر به یادگار مانده از آن روز، برخی مسئولان آلمانی و مقامات کشورهای دیگر (سناتور مسکن و آقای کورت براش (Kurt Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

## عاریخ

کفت وگو۸۸۴۹۸۴۳۷

کعبه را بالا می‌بردند، پروردگارا! ما بپذیر که تو شنوا و دانایی…»

**■ سخنانی که در تاریخ مسجد به یادگار ماند!**

چندی بعد متن سخنرانی زنده ی‌یاد محققى در مجله مکتب اسلام قم درج شد. این خطابه از قرار ذیل بود:

«به نام خداوند متعال. آغاز و پایان کلام، به نام عزیز او، اوست خدای همه و ماییم همه بندگان او، او برای ما بالاتر از هر پدری است، پس چرا ما با هم برادر نباشیم؟ کتاب مقدس ما می‌گوید: «قُلْ يا أَهْلَ الْکِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى کَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَکُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرکُ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا آغْصَانًا لِأَیَّامِن دُونِ اللَّهِ». بگوی اهل کتاب! بیایید بر سر سختی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگردد.

برادران عزیز! اینجا زمین مسجد ماست، ولی لازم به ذکر است که پهنای زمین، همه جا مسجد است. همه جا آرام است او را عبادت نمود، یعنی به وظیفه خود عمل کرد. آیا عبادت معنی دیگری جز انجام وظیفه‌ای که او مقرر نموده است، دارد؟ کلمه مسجد، جز این معنایی ندارد. مسجد یعنی محل پرستش، آنجا باید امر خدای را، تا سرحد پرستش انجام داد.

ولی کیست که مقهور خواسته‌های نفسانی خود نباشد؟ کیست که همه جا را مسجد ببیند و در انجام امر خدا به جان بکوشد؟ برای تربیت نفوس بشری، در سرلوحه برنامه انبیا، بنای مسجد قرار داشت، تا بندگان خدا در آن محل پاک جمع شوند و با لغای هر گونه تشخصات در خانه خدا، به یاد او باشند و خود را بدین وسیله از هر گونه آلودگی پاک سازند و با قلبی مملو از عشق خدایی، برادرانه به کار و زندگی بپردازند. اولین مسجدی که پس از طوفان نوح در روی زمین بنا شد، همان مسجدی بود که بر ابراهیم خلیل‌الرحمن با کمک فرزندش اسماعیل، در دامنه کوه فاران یعنی سرزمین مکه برپا نمود. اینک از طرف آیت‌الله العظمی آقای بروجردی، وظیفه دارم که سلام و تحیات و تبریکات ایشان را، به عموم آقایان محترم ابلاغ نمایم…»

سپس اولین سنگ‌بنای مسجد، توسط استاد محققى نصب شد در حالی که تاریخ بناگذاری مسجد (۱۳ فوریه ۱۹۶۰ ساعت ۱۰:۳۰ صبح مطابق با ۱۵ شعبان ۱۳۷۹ و ۲۳ بهمن ۱۳۳۸ش.) به این فارسی و آلمانی در جعبه‌ای فلزی، زیر این سنگ قرار داده شد. بر گزارى آبرومندانه و باشکوه مراسم، موفقیتی بزرگ را نوید می‌داد و این آغازی شد بر یک راه نورانی و پر از معنویت.

**مشروح زمین در کنار آلاستر**

علاوه بر گزارش تصویری و فیلم مستندی که توسط برخی شبکه‌های تلویزیون آلمان، از لحظات پایه‌گذاری مسجد تهیه شد، روزنامه «والت‌آم‌وتساک» (دنیا در روز یکشنبه) نیز در مورخه ۱۴ فوریه - ۱۹۶۰، مقاله زیبایی با عنوان «مشروح زمین در کنار آلاستر»، درج کرد و روزنامه EchoHamburger» (پژواک هامبورگ)، در شماره روز دوشنبه ۱۵ فوریه، خبر را با عنوان «منظره آلاستر با مسجد،» به خوبی بازتاب داد.

قرار داد به صورت رسمی منعقد شد اما مشکل دیگری وجود داشت، که حل کردن آن به ظاهر چندان آسان به نظر نمی‌رسید.

**مشکل ناهمسانی بنای مسجد با دیگر ابنیه شهر**

مشکل این بود که طبق مقررات شهرداری هامبورگ، باید نحای بیرونی ساختمان‌ها، با یکدیگر یکسان باشد، در حالی که نمای بیرونی مسجد، به صورتی بدیع و به رنگ آبی طراحی شده بود و با نمای عمومی شهر، هماهنگی نداشت. با آنکه این مشکل به نظر بزرگ می‌نمود اما با تلاش‌های خالصانه و انگیزه‌های معنوی برخی مسئولان آلمانی، مانند آقای دکتر نورمان (Dr.Nevermann) (دکتر Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

**روز برفی به یادماندنی!**

قرار بر این شد که همزمان با میلاد منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود(عج)، کلنگ ساختمان مسجد، در روز شنبه نیمه شعبان ۱۳۷۹ ق. برابر با ۲۴ بهمن ۱۳۳۸ ش. و ۱۳ فوریه ۱۹۶۰ م. پیش از ظهر بر زمین زده شود. هوا به شدت سرد بود و برف سطح زمین را پوشانده بود!

تعدادی از مسلمانان و نمایندگان شهر هامبورگ، به این مراسم دعوت شده بودند. در تصویر به یادگار مانده از آن روز، برخی مسئولان آلمانی و مقامات کشورهای دیگر (سناتور مسکن و آقای کورت براش (Kurt Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

**روز برفی به یادماندنی!**

قرار بر این شد که همزمان با میلاد منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود(عج)، کلنگ ساختمان مسجد، در روز شنبه نیمه شعبان ۱۳۷۹ ق. برابر با ۲۴ بهمن ۱۳۳۸ ش. و ۱۳ فوریه ۱۹۶۰ م. پیش از ظهر بر زمین زده شود. هوا به شدت سرد بود و برف سطح زمین را پوشانده بود!

تعدادی از مسلمانان و نمایندگان شهر هامبورگ، به این مراسم دعوت شده بودند. در تصویر به یادگار مانده از آن روز، برخی مسئولان آلمانی و مقامات کشورهای دیگر (سناتور مسکن و آقای کورت براش (Kurt Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

تعدادی از مسلمانان و نمایندگان شهر هامبورگ، به این مراسم دعوت شده بودند. در تصویر به یادگار مانده از آن روز، برخی مسئولان آلمانی و مقامات کشورهای دیگر (سناتور مسکن و آقای کورت براش (Kurt Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

تعدادی از مسلمانان و نمایندگان شهر هامبورگ، به این مراسم دعوت شده بودند. در تصویر به یادگار مانده از آن روز، برخی مسئولان آلمانی و مقامات کشورهای دیگر (سناتور مسکن و آقای کورت براش (Kurt Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

انتخاب کرد. این نقشه‌با همکاری یک مهندس ایرانی به نام آقای «پرویز روز گبرور»، که به سبک ایرانی و اسلامی تبحر داشت، تهیه شده بود. آقای زاده همچنین در نامهای جداگانه، نقایض نقشه‌ها، پیشنهادات تکمیلی و تذکرات لازم را یادآوری کرد. نقشه نهایی شیبستان و گنبد نیز باید تهیه می‌شد. به این صورت، فرعه ساخت مسجد آسمانی هامبورگ، به نام مهندس آلمانی، آقای «گوتفردیشرام» افتاد و افتخار مشارکت در این کار، نیک و خدایی نصیب وی شد تا با همکاری همچون مهندس هالم، ما نشان در تاریخ ساخت این خانه خدا، در کنار ده‌ها آلمانی دیگر ماندگار شود. سپس پیش‌نویسی از سوی هیئت ساختمان‌ی مسجد، برای اجرای پروژه در زیربنایی به مساحت ۸۳۷/۴۲ مترمربع، با شرکت الکتیوسشترام تنظیم شد و در یازدهم مارس ۱۹۶۰، قرار داد به صورت رسمی منعقد شد اما مشکل دیگری وجود داشت، که حل کردن آن به ظاهر چندان آسان به نظر نمی‌رسید.

**مشکل ناهمسانی بنای مسجد با دیگر ابنیه شهر**

مشکل این بود که طبق مقررات شهرداری هامبورگ، باید نحای بیرونی ساختمان‌ها، با یکدیگر یکسان باشد، در حالی که نمای بیرونی مسجد، به صورتی بدیع و به رنگ آبی طراحی شده بود و با نمای عمومی شهر، هماهنگی نداشت. با آنکه این مشکل به نظر بزرگ می‌نمود اما با تلاش‌های خالصانه و انگیزه‌های معنوی برخی مسئولان آلمانی، مانند آقای دکتر نورمان (Dr.Nevermann) (دکتر Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

**روز برفی به یادماندنی!**

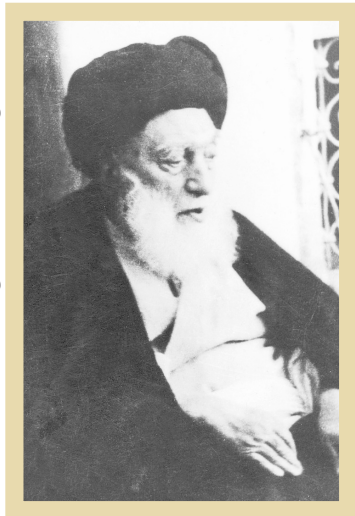
قرار بر این شد که همزمان با میلاد منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود(عج)، کلنگ ساختمان مسجد، در روز شنبه نیمه شعبان ۱۳۷۹ ق. برابر با ۲۴ بهمن ۱۳۳۸ ش. و ۱۳ فوریه ۱۹۶۰ م. پیش از ظهر بر زمین زده شود. هوا به شدت سرد بود و برف سطح زمین را پوشانده بود!

تعدادی از مسلمانان و نمایندگان شهر هامبورگ، به این مراسم دعوت شده بودند. در تصویر به یادگار مانده از آن روز، برخی مسئولان آلمانی و مقامات کشورهای دیگر (سناتور مسکن و آقای کورت براش (Kurt Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

تعدادی از مسلمانان و نمایندگان شهر هامبورگ، به این مراسم دعوت شده بودند. در تصویر به یادگار مانده از آن روز، برخی مسئولان آلمانی و مقامات کشورهای دیگر (سناتور مسکن و آقای کورت براش (Kurt Braasch) رئیس وقت ناحیه شهرداری هامبورگ، این مشکل به صورت قانونی برطرف شد تا نام آنان نیز در فهرست کسانی که در بنای این مسجد آسمانی به نوعی همدلی و مشارکت داشتند، به یادگار بماند.

باید با شرکت‌های ساختمانی آلمان، گفت‌وگو صورت می‌گرفت. پیش‌نظر از طرف هیئت ساختمانی مسجد، مسابقه‌ای ترتیب داده شد تا شرکت‌هایی که مایل بودند در اجرای این پروژه با مسلمانان مشارکت کنند، شناسایی شوند. در دوازدهم آذر ۱۳۳۶ (برابر با سوم دسامبر ۱۹۵۷ م.) سه شرکت پیشنهادات خود را برای طراحی نقشه ساختمان مسجد ارائه کردند.

طرح‌های پیشنهادی به منظور انتخاب نهایی برای آیت‌الله العظمی بروجردی به قم فرستاده شد و ایشان هم طرح‌ها را به مشاور خود در امور ساختمانی، یعنی استاد معمار آقای حسین لرزاده ارجاع دادند. معمار لرزاده، تجارب بسیاری در احداث مسجدها و بناهای اسلامی داشت. وی طراح، مجری، تعمیرکار و سازنده بیش از ۸۴۰ مسجد و بنای اسلامی و معنوی است، از جمله صحن حضرت اب‌عبدالله الحسین (ع) در کربلا، مسجد اعظم قم، که شیبستان و محراب مسجد سپهسالار تهران (مدرسه عالی آیت‌الله شهید مطهری)، آرامگاه فردوسی در مشهد، سردر دارالفنون و از این قبیل. معمار لرزاده از میان نقشه‌های طراحی شده، طرح شرکت الکتیوسشترام، زیر نظر مهندس «گوتفردیشرام» را



آیت‌الله العظمی حاج سیدحسین طباطبائی بروجردی

**دغدغه‌های ساخت مسجددر منطقه تور بستنی هامبورگ!**

مسجد در سنت اسلامی، علاوه بر کارکردهای عینی، ویژگی‌های باطنی و ظاهری خاصی دارد و معماری آن نیز، مشتمل بر نمادهایی چون گنبد، مناره… می‌باشد، که آن را از ساختمان‌های دیگر متمایز می‌سازد. در عین حال، مسجدی که در یک منطقه توریستی بنا می‌شود، باید دارای عناصر منحصر به فرد نیز باشد. این حساسیت‌ها، موجب شد تا برای تهیه طرح و نقشه این مسجد، تکاپوی جدیدی آغاز شود. در این باره

## ۹ جوان

اروزنامه جوان | شماره ۶۳۲۴

کردند و به عنوان احترام به مقام مرجعیت، عزای عمومی و مراسم سوگواری و ماتم برپا نمودند بسیار حیرت‌زده شد.»

**■ در ماتم مرجع بزرگ**

خبر رحلت حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی، پیر مراد و مرجع بزرگ شیعیان، در تاریخ دهم فروردین ۱۳۴۰ش. (شوال - ۱۳۸۰ق. و مارس ۱۹۶۱ م.)، گوش جمعیت اسلامی هامبورگ رسید. همه از شنیدن این خبر ناگوار، ناراحت و محزون بودند. دقیقاً مدت ۱۴ ماه، از نصب اولین سنگ بنا سپری شده بود و حدود ۹ ماه، از آغاز عملیات ساختمانی می‌گذشت. مانند همیشه، تأمین بودجه برای تداوم ساخت‌وساز، مهم‌ترین دغدغه هیئت امانا بود. به طور طبیعی امام مسجد و بقیه ارادتمندان آیت‌الله، برای کار مانده بود و نه شوق و امید! به همین دلیل کار ساختمان‌سازی، مدتی تعطیل شد ولی ارتباطات مردمی به منظور آشناسازی با اسلام، کماکان ادامه داشت. در این مرحله، آیت‌الله العظمی سیدمحسن حکیم طباطبائی از مراجع معظم تقلید، که در نجف اشرف حضور داشتند، به منظور حفظ این پایگاه معرفی اسلام و تداوم فعالیت‌ها نماینده مرجعیت، استاد محققى را با صدور اجازه‌نامه‌ای، برای مصرف وجوهات شرعی، و کبیل خود قرار دادند و از مسلمانان هامبورگ، با تأکید فراوان خواستند که از هر جهت پشتیبان ایشان باشند. ایشان همچنین یک نسخه از کتاب ا‌رزشمند و مشهور خود، به نام «هستمسک‌العروه‌الوثقی» را، به دست‌خط مبارک خود پشت‌نویس و به کتابخانه مسجد اهدا فرمود. بدین ترتیب، متولیان احداث مسجد، تصمیم گرفتند تا کار ناتمام خود را، در قفدان مرجع بزرگ و با حمایت مراجع حاضر، به پیش ببرند.

**■ تداوم کار استاد زنده‌یاد محققى و احداث مسجد هامبورگ**

با تلاش فراوان، بالاخره پس از چندی ساخت گنبد بتونی، به پایان رسید و کار پله‌های جلوی مسجد نیز، آغاز شد. اما هنوز هزینه‌های بسیاری، باید صرف می‌شد تا مسجد، به طور کامل برای بهره‌بردارى آماده شود. تصمیم این بود که وضعیت کارهای اطلاع‌خترین ساکنان ایران و هامبورگ برسد و از آنان برای اتمام کار، تقاضای کمک شود. تا متولیان پیمانی را که با مرجع خود بسته بودند، به سرانجام مطلوبی برسانند. آنها نیک می‌دانستند که تحقق این آرزو، محتاج تدبیر، همت و صبر است.

به این ترتیب، سپس از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی، با وجود ناکافی بودن کمک‌های دریافتی و در نتیجه وقفه‌هایی که کم‌وبیش پدید می‌آمد، ساخت‌وساز مسجد همچنان با همت استاد محققى و همراهانش، ادامه یافت و تا اوایل سال ۱۹۶۳ م. (اواخر سال ۱۳۴۱ش.) تقریباً اسکلت و سازه اصلی ساختمان، به پایان رسید. اما هنوز کارهای بسیاری باید انجام می‌شد که به اراده‌ای تازه و بوجه‌ای سنگین نیازمند بود. در این مقطع، بنا به تشخیص استاد محققى و گویا با هدف تسهیل ارتباط بین همسازان مالی بیشتر، در ۲۲ تاسمبیر ۱۹۶۲ م. (۳۱ شهریور ۱۳۴۱ش.) یعنی چند ماه پیش از بازگشت استاد محققى به ایران، جلسه‌ای تشکیل شد و در مورد تبدیل «جمعیت اسلامی در هامبورگ» به «جمعیت اسلامی ایرانیان در هامبورگ» تصمیم‌گیری شد.

در همان حال که کار ساخت‌وساز مسجد ادامه داشت وظیفه رسیدگی به مسائل مسلمانان و رساندن پیام قرآن به مشتاقان نیز، با شور و حرارت دنبال می‌شد. یکی از ابتکارات استاد محققى در این دوره، بر گزارى نماز عید فطر در این مسجد نیمه‌تمام بود. این کار به نوبه خود، توانست توجه چه بیشتر مسلمانان را به مسجد هامبورگ جلب کند. شکوه نماز و سخنرانی روز عید، در تصاویری که از آن روز به یادگار مانده، به خوبی پیداست. تلاش برای ایجاد ارتباط معنوی و علمی، با جست‌وجوگران محققان، از اقدامات اساسی جمعیت محققى بود. طبق اسناد، شخصیت‌های بزرگ اسلامی از سراسر جهان، از همان ابتدا به این مسجد عنایت خاصی داشتند و به مناسبت‌های مختلف، به این مسجد می‌آمدند. مسجد خدمات اجتماعی خود را، به‌ی‌شائبه و در حد توان، به مسلمانان نیازمند با ملیت‌های مختلف عرضه می‌کرد. پذیرایی از اشخاص و شخصیت‌های بزرگ اسلامی، که از کشورهای درخست‌تر برای ملاقات با جمعیت به هامبورگ می‌آمدند و مسلمانان آواره الجزایری، تونس، آرژنتی، بوسگلایایی، اتریشی… و. که به جمعیت معرفی می‌شدند، گام‌های دیگری، از اقدامات جمعیت بود. دکتر مصطفی فلسفی فرزند حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی، در خاطره حضور پدر در آلمان را، این‌گونه روایت می‌کند: «در اوایل سال ۱۹۵۸، زمانی که من در دانشگاه هامبورگ به تحصیلات پزشکی مشغول بودم، پدر برای عمل جراحی اینجا آمد. عموی من هم که دندانپزشک بود، همراه پدر آمده بود. عمود همان ساختمان قدیمی داخل زمین مسجد، پیش من بود و پدر برای استراحت در خانه آقای محققى مهمان بود و جلساتی هم با من‌ای مسجد داشت. پدر من، تومیلیلی در هامبورگ خرید که با آن به مسافرت‌هایی رفیقیم و به برخی از جاها سفر می‌کردیم و ملاقات‌هایی داشتیم…»

**■ سو کلام آخر**

اینک مسجد بزرگ هامبورگ آلمان، در زمره فعال‌ترین کانون‌های اسلامی اروپا به‌شمار می‌رود. هم‌از این روی، مناسب است تا ی‌یاد و خاطره بانگین آن، از جمله آیت‌الله العظمی بروجردی و حجت‌الاسلام والمسلمین محققى را درج‌نهم و یاد ایشان را، گرامی بداریم.